



نبرد سرخوشت؛

شش خون

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 payamenehzat.ir

 @ paiaamenehzat

فهرست

شهادت آیت‌الله خامنه‌ای ایده مرکزی انقلاب اسلامی را بیمه کرد	پیام اول	۴
وجه پیروزی بخش شهادت رهبر شهیدمان در بیعت‌نکردن ایشان با دشمن است	پیام دوم	۵
این ابتلای بزرگ، نشان‌دهنده‌ی بلوغ و رشد مردم ایران است	پیام سوم	۶
افتخار فرماندهی کل قوا با شهادت در دفتر ایشان تجلی یافت	پیام چهارم	۷
عدم پذیرش ولایت طاغوت، حقیقت دین است	پیام پنجم	۸
نظام جمهوری اسلامی وابسته به شخص نیست و از عهده اداره جنگ برمی‌آید	پیام ششم	۹
ملت ایران، درس‌های اسلامی و شیعی خودش را خوب بلد است	پیام هفتم	۱۰
سیل عزاداری مردم، اقلیت سازمان‌یافته دشمن را متزلزل ساخته است	پیام هشتم	۱۱
حفظ همه آرمان‌های انقلاب، ضامن بنیادین انقلاب شده است	پیام نهم	۱۲
همه مقدمات و لوازم جنگ را آقا با مدیریت خودش مهیا کرده است	پیام دهم	۱۳
ارتقای رهبری نظام همواره با مدد روحی و معنوی حضرت ولی عصر (عج) بوده است	پیام یازدهم	۱۴
مسئله اصلی در زمینه‌سازی ظهور امام زمان (عج)، تکامل قدرت اسلام است	پیام دوازدهم	۱۵
خدا هست پس نصرت خدا هم هست	پیام سیزدهم	۱۶
نظام برای سناریوهای مختلف آماده است	پیام چهاردهم	۱۷

شهادت آیت الله خامنه‌ای ایده مرکزی انقلاب

اسلامی را بیمه کرد

ایده مرکزی انقلاب اسلامی توحید به معنای «نفی عبودیت غیر خدا» و در نتیجه «نفی دستگاه استکبار و نظام سلطه جهانی» است. این ایده اگرچه ظاهری سلبی دارد، اما مبدا و سرآغاز همه سخن‌ها، طرح‌ها و حرکت‌های ایجابی انقلاب اسلامی برای آبادانی و پیشرفت ایران است. اساساً آن نقطه زیتی که جمهوری اسلامی را از همه



دولت . ملت‌ها در دنیای امروز ممتاز می‌سازد، این است که در مقام یک دولت رسمی، در برابر استکبار و نظام سلطه تسلیم نمی‌شود.

همواره این پرسش وجود داشته که جمهوری اسلامی تا کجا بر روی این ایده مرکزی خود خواهد ایستاد؟ به عبارتی دیگر، چه میزانی از هزینه اگر به وجود آید، جمهوری اسلامی از این ایده کوتاه می‌آید و تسلیم شدن در برابر آمریکا و نظام سلطه را می‌پذیرد؟ شاید گمان خیلی‌ها در داخل و خارج کشور این بود که اگر هزینه ایستادن بر روی این ایده، جان رهبر انقلاب اسلامی را به خطر بیندازد، جمهوری اسلامی کوتاه خواهد آمد و به آن تن خواهد داد. شهادت آیت‌الله خامنه‌ای تمام این فرضیه‌ها را باطل کرد و با همه چه دوستان، چه دشمنان، چه درون و چه در خارج از کشور. اتمام حجت کرد؛ هیچ خط قرمزی نمی‌تواند موجب شود جمهوری اسلامی از ایده مرکزی خود صرف نظر کند. ایستادن تا پای جان و شهادت رهبر معظم انقلاب نشان داد که جمهوری اسلامی ولو به قیمت ازدست دادن رهبر نظام باشد، از این ایده کوتاه نمی‌آید. خون آیت‌الله خامنه‌ای در حادثه ۹ اسفند ۱۴۰۴، (ایده تسلیم نشدن در برابر استکبار) را برای همیشه در انقلاب اسلامی بیمه کرد. همه متوجه شدند که مسئله تسلیم نشدن در برابر استکبار، «ایده وجودی جمهوری اسلامی» است؛ تسلیم شدن در برابر استکبار «وجود» و «بودن» جمهوری اسلامی را بی‌معنا و بی‌اعتبار می‌کند. حتی حفظ جان زعیم شیعه و رهبری نظام نمی‌تواند مصلحتی برای عبور از این امر وجودی ایجاد نماید. این ترجمانی است بر جمله‌ای که در بیانیه گام دوم انقلاب بر آن تأکید شده بود: «برای جمهوری اسلامی مهم است که چرا بماند و چگونه بماند».

وجه پیروزی بخش شهادت رهبر شهیدمان در بیعت نکردن ایشان با دشمن است

در دستگاه الهی، پیروزی به معنای کشورگشایی و غارت منابع ملت‌ها نیست! آنچه در دستگاه الهی فتح و پیروزی معنا می‌شود، نابودی بسترها، ساختارها، قوانین و عرف‌های برآمده از اولیای طاغوت و دستگاه مستکبرین است. اینکه رهبر کبیر انقلاب با شجاعت تمام، سال‌های سال در برابر دستورها و دستورالعمل‌های آمریکا مخالفت کرد و تا لحظه آخر حاضر به بیعت با آمریکا نشد، باید در این فضای مفهومی فهمیده شود که اساساً مبارزه رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی با مستکبرین عالم، برای برهم‌زدن قواعد استکباری آنها بوده است. قواعدی که طبق آن، هیچ کشوری جرئت مخالفت با دستورات آمریکا را نداشت و چنانچه ایشان بر اثر فشارهای متعدد دشمن، حاضر به

هر شکلی از بیعت با آمریکا می‌شدند، عملاً از مواضع خود کوتاه آمده و ایشان نیز مثل باقی دولت‌های دیگر، به قواعد طاغوت تن داده بودند؛ بنابراین رهبر شهید انقلاب که همچون عموم مردم، خود و برخی از افراد خانواده‌اش در این مسیر شهید شدند، موفق شد مقاومت در برابر قواعد ولایت طاغوت را تثبیت کند و پیروزی مهمی را رقم بزند. همچنین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که دست پرورده رهبر انقلاب هستند، با مقاومت نظامی گسترده‌ای که علیه رژیم جعلی اسرائیل و آمریکای خون‌خوار انجام می‌دهند، قدمی مکمل در برچیدن قواعد طاغوت برمی‌دارند که همگی به معنای فتح و پیروزی جریان حق است. امروز به لطف خداوند، شواهد و نمونه‌های فراوانی وجود دارد که مقاومت‌های ایران، امکان مقاومت سایر ملت‌ها و دولت‌های جهان با استکبار را فراهم آورده است. این تزلزل در ساختارها و قواعد استکباری، بخشی مهم از پیروزی جریان حق است که خداوند به برکت آن، امداد بیشتری را به جریان حق اعطا کرده و قدرت آنها در منطقه و جهان افزایش می‌دهد.



امام حسین **فرمود:**

مثلی لا یُباعِ مثلاً یزید، کسی مثل من
با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند.

ملت ایران می‌گویند:
مثل ملت با فرهنگ
ایران با مثل سردمداران
فاسد آمریکا
بیعت نخواهد کرد.



این ابتلای بزرگ، نشان دهنده بلوغ و رشد مردم ایران است

یکی از انگاره‌هایی که در هنگام مواجهه با فقدان شخصیت‌های بزرگ و عموماً ابتلائات بزرگ در افکار عمومی امکان طرح دارد، این است که حوادث، واقعه را به مثابه عذاب و عقاب الهی تصور کنند. در مورد حادثه بزرگ شهادت آیت‌الله خامنه‌ای نیز ممکن است برخی این‌طور تصور کنند که خدای متعال به خاطر قدرشناسی، این نعمت را از مردم ایران



دریغ کردند. چنین انگاره‌ها و تصوّرهایی با امّات مواضع رهبر انقلاب درباره مردم ایران سازگار نیست. رهبر شهید انقلاب در بخش پایانی پیامی که به مناسبت صدسالگی حوزه‌های علمیه در اردیبهشت‌ماه امسال صادر کردند، بدینی به مردم ایران را هم غلط دانستند و هم از آن نهی کردند. پیام‌های هفته‌های پایانی عمر شریف ایشان درباره راهپیمایی ۲۲ دی و ۲۲ بهمن نیز به طور روشنی حاکی از رضایت و خشنودی ایشان نسبت به ملت بزرگ ایران است.

اگر با نظر خوش بینی به مردم ایران بنگریم. که هم سنت امام خمینی و هم سنت رهبر شهید انقلاب بود و واقعیت‌های اجتماعی نیز موید آن است. ابتلائات بزرگ نه تنها عذاب و عقاب الهی نیست، بلکه نشان دهنده بلوغ و رشد مردم ایران است. مطابق الهیات شیعی و سنت‌های الهی، وقوع ابتلائات برای یک قوم که همراه با مصیبت و فقدان و دشواری است، بستری برای خیزش، کمال و ارتقای آن قوم می‌شود. مردم ایران طی سال‌های اخیر تحت فشارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی، روانی و شناختی بسیار سنگینی از سوی دشمنان بوده‌اند و فقدان‌های بزرگی همچون شهید سلیمانی، شهید ریسی، شهید نصرالله و جمع بزرگی از فرماندهان، دانشمندان و مردم را با سربلندی پشت سر نهاده‌اند. ملّتی که از این آزمون‌ها و داغ‌های بزرگ عبور کرده باشد، ملّتی «رشید» و «بالغ» است. چنین جامعه‌ای اگر با ابتلائات بزرگ‌تری روبه‌رو می‌شود، برای ورود به لایه‌های بالاتری از کمال انسانی و اجتماعی است. اگر با این چشم به شهادت رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی بنگریم و امیدوارانه استقامت کنیم، ملّت ایران در آستانه فتوحات و گشایش‌های بزرگ قرار دارد.

افتخار فرماندهی کل قوا با شهادت در دفتر ایشان

تجلی یافت



شهادت آیت الله خامنه‌ای، در دفتر کار و درحالی که ایشان در پناهگاه حضور نداشتند، به وقوع پیوست؛ امری که ابهاماتی را پیرامون عدم حضور ایشان در پناهگاه شکل داده است. دلایل عدم حضور ایشان را می‌توان این‌گونه برشمرد که اولاً ایشان به اقتضای جایگاه فرماندهی کل قوا و مدیریت عالی صحنه، حضورشان در پناهگاه و دور از فضای گرم میدان، می‌توانست سبب انزوا و کاهش سرعت و ابتکار عمل ایشان شود. دلیل دیگر این است که ایشان خود را از جنس مردم و همراه با آن‌ها می‌دانستند و حاضر

به حضور در پناهگاه و فضای امن اختصاصی نشدند. همچنین به دلیل اشراف بالای اطلاعاتی دشمن در اقدام به ترور و ابزارهایی که توسعه داده بودند، پناهگاه نیز نقطه امن صددرصدی به حساب نمی‌آمد. افزون بر این طی ماه‌های اخیر دستگاه پروپاگاندای دشمن با القای ترس و دروغ‌نمایی حضور رهبری در طبقات زیرزمین یا فرار ایشان به کشورهایمانند روسیه، سعی در القای ضعف و سستی در مدیریت عالی ایران داشتند که نحوه شهادت رهبر انقلاب، به کلی این پروژه سنگین رسانه‌ای دشمن را باطل و به ضد خودش تبدیل کرد. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که عدم حضور ایشان در پناهگاه، به معنای غافلگیری نیست چرا که در ایام اخیر، کشور در آمادگی کامل قرار داشته و حمله دشمن نیز پیش‌بینی می‌شد؛ همچنین واکنش قاطع و سریع ایران، حدود ۳ ساعت پس از تجاوز دشمن نیز بر این آمادگی صحنه می‌گذارد. در واقع، بازدارنده اصلی دشمن از تعدی به ساحت مطهر ایشان، بیشتر ناشی از ترس و وا همه دشمن از واکنش ایران و جامعه مسلمانان بود که در این تجاوز اخیر، دشمن با مشاهده کفایت و ایستادگی ایشان و ناامیدی کامل از ضعف و تسلیم او، با یک خطای محاسباتی، اقدام به ترور ایشان کرده و هزینه سنگین آن را نیز باید بپردازد.

عدم پذیرش ولایت طاغوت، حقیقت دین است

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ افتتاحی در تاریخ جهان ایجاد کرد که وسعت مقیاس آن، در امتداد حرکت انبیاء و اولیاء الهی قرار گرفته است؛ لذا ماموریت اصلی انقلاب اسلامی در زمینه چینی ظهور حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام وَجَرَّ السَّرِيَّةَ تعریف می شود و رهبر انقلاب به مثابه نماد ملت انقلابی ایران، با معیار قرار دادن اصل «سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ و حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ»، هیچ گاه به استکبار جهانی، علی الخصوص آمریکا باج نداده و در سخنرانی اخیر خود نیز فرمودند: «مثلی لا یبایع مثل یزید» و در آخر با شهادت خود اثبات کردند که تا پای جان، پای این آرمان هستند؛ رهبر شهید انقلاب، برای توسعه امکان مبارزه با طاغوت، ایران را به آمادگی نظامی حداکثری رساندند تا ملت ایران بتواند برای دستیابی به آرمان های انقلاب

مبنی بر استقلال و آزادی، در برابر دشمن مستکبر مقاومت کند. این مقاومت در برابر پذیرش ولایت طاغوت و مبارزه با آن - که رهبری تا فدا کردن جان خود پای آن ایستادند- اساس و بنیاد معنای دین داری است، چراکه حقیقت دین، تولی به ولایت امام است و پیش شرط تولی حقیقی به ولایت امام، نفرت و مبارزه با ولایت طاغوت است؛ در سوره مبارکه بقره، خداوند متعال ابتدا کفر به طاغوت را عنوان و سپس ایمان را مطرح می کند «فَمَنْ يَكْفُر بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»؛ این مبارزه با طاغوت، معنابخش تمام کنشگری های انسان و جامعه است تا حدی که ایمان یک انسان و جامعه زمانی از منظر خداوند پذیرفته می شود که به ولایت طاغوت باج ندهد و حاضر به پذیرش ولایت او نشود. لذا تصمیمات رهبر انقلاب اسلامی در طول تاریخ انقلاب اسلامی مبنی بر عدم پذیرش ولایت طاغوت، امکان عمیق ترین لایه دین داری را برای ملت ایران و ملت های مسلمان مقاومت فراهم آورده بود.

KHAMENEI.IR

تئین رهبر انقلاب در مورد درس شیعی ملت ایران در مواجهه با تهدیدها

ملت ایران با یزید زمان بیعت نخواهد کرد

این حرفهائی هم که رئیس جمهور آمریکا میزند گاهی تهدید میکند، گاهی میگوید باید فلان کار بشود، فلان کار نشود، مصایش این است که اینها در پی تسلط بر ملت ایرانند. ملت ایران درسهای اسلامی و شیعی خودش را خوب بلد است؛ میداند که چه کار کند. امام حسین ع فرمود: مثلی لا یبایع مثل یزید؛ کسی مثل من، با کسی مثل یزید بیعت نمی کند. ملت ایران در واقع میگوید: مثلی مثل ما، با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی، با سردمدارانی مثل افراد فاسدی که امروز در آمریکا بر سر کارند، بیعت نخواهد کرد.



KHAMENEI

KHAMENEI

نظام جمهوری اسلامی وابسته به شخص نیست و از

عهده اداره جنگ برمی آید



طرز احی و نقشه دشمن آمریکایی - صهیونی در آغاز و استمرار جنگ - رضانی اخیر بر این تصور و فرضیه استوار است که با زدن رأس نظام، کشور فرومی پاشد و مهیای تسلیم می شود. آنها این انگاره را در جنگ ۱۲ روزه هم تجربه کرده و رأس ساختار نظامی کشور را به شهادت رسانده بودند، اما این بار پا را فراتر گذاشتند و جنگ را با

شهادت رهبری نظام آغاز کردند. تصور آنها این بود که علت عدم توفیقشان در فروپاشی ذهنی نظام، شخص رهبری نظام بود و اگر این بار جنگ را با ترور ایشان شروع کنند، به هدف مورد نظر خواهند رسید. فقدان هر یک از کارگزاران نظام یا فرماندهان نظامی که محصول تجربه متراکم جمهوری اسلامی طی بیش از چهار دهه حکمرانی است، حقیقتاً خسران بزرگی برای کشور است. فقدان شخصیت عظیم الشان رهبر انقلاب که ستون خیمه نظام اسلامی برای همه مردم و مسئولان کشور محسوب می شدند، نیز داغی بی تسلی است که تا دهه ها بر دل مردم ایران خواهند ماند؛ اما باین وجود، باید توجه کرد نظام جمهوری اسلامی طی بیش از چهار دهه به یک «ساخت سیاسی مستحکم» تبدیل شده است. شخصیت ها بسیار مؤثر هستند، اما مجموعه نظام به سطحی از «بلوغ نهادی» رسیده که دیگر وابسته به اشخاص نیست.

رهبر شهید انقلاب اسلامی طی سی و هفت سال رهبری، زیرساخت های نرم افزاری و سخت افزاری نظام را به یک بلوغی رسانده اند که با تکان های سنگین برونزا و ساخته و پرداخته دشمن، به دشواری و سختی می افتد اما فرو نمی پاشد. این وضعیت نهادی، ادعای مافیایی و دیکتاتوری بودن نظام سیاسی ما را ابطال می کند. ساختار سیاسی جمهوری اسلامی واجد نوعی «توان تصمیم گیری غیرمتمرکز» شده که انعطاف پذیری نظام را در شرایط خطیر جنگ بالا برده است. این وضعیت نهادی نوید می دهد که نظام جمهوری اسلامی حتی در شرایط فقدان شخصیت شهید آیت الله خامنه ای، باز هم می تواند از عهده اداره جنگ برآید و این محصول تلاش های زیرساختی رهبر شهید انقلاب است.

ملت ایران، درس های اسلامی و شیعی خودش را

خوب بلد است

یکی از مهم ترین پایه های شکل گیری و تداوم انقلاب اسلامی، انقلاب در قلوب مردم ایران و تغییر بنیادین در نسبت گیری آنها با امر سیاسی و اجتماعی بوده است. این تغییر بنیادی در جامعه ایرانی و حضور اثرگذار و مسئولانه آحاد جامعه در تعیین سرنوشت جامعه، باعث عبور ایران از گردنه های سخت انقلاب از ابتدا تا کنون بوده است. علت این حضور و مشارکت در جامعه را می توان در وجود زیرساخت های فرهنگی و اجتماعی



جامعه ایرانی برای ایجاد امکان مشارکت اجتماعی و سیاسی دانست که به واسطه امام رحمته الله علیه زنده شد. امام رحمته الله علیه با ایجاد شبکه از ارتباطات نهادی میان نهادهای خانواده، دین، و سیاست، انقلاب اسلامی را پیروز کرد و در ادامه، رهبران انقلاب با اعتماد به امت خود، یک نوع مسئولیت پذیری دینی، سیاسی و اجتماعی را در جامعه نهادینه کرده و جامعه نیز با تجربه وقایع مختلف بعد از انقلاب این مسئولیت را پذیرفت، بر آن آگاه شد و در تحقق تعیین سرنوشت خود، آن را بر دوش کشید.

اکنون در سطحی هستیم که هم دولت و هم بدنه نیروهای فعال فرهنگی و اجتماعی در بعد نظری و عملی به این موضوع آگاه هستند که کارهای زیاد و بزرگی را گروه های مردمی می توانند برعهده بگیرند و از آن طرف دولت ها نیز می دانند که در مواجهه با شرایط بحرانی به تنهایی امکان مدیریت کارآمد موقعیت ها را ندارند. جامعه ما گویی طی سال های گذشته رزمایش هایی را در سیل، زلزله، کرونا، شهادت شهید سلیمانی و شهید رئیسی، انتخابات و اغتشاشات چند سال اخیر برای موقعیت فعلی انجام داد تا در موقعیت جنگ واقعی و اصلی بهترین عملکرد را داشته باشد. حضور آگاهانه مردم در جنگ اصلی و سرنوشت ساز، چون از درون ساختارهای فرهنگی جامعه جوشید؛ لذا باعث شد که اولاً دشمنان نتوانند در سطح وسیع و تعداد بالا عملیات کنند و ثانیاً در محیط نزدیک فعال شدند و نسبتی بین مسئولیت پذیری این مجموعه ها و جامعه اطراف خود به شکل جهادی به وجود آوردند. در تجربه انقلاب اسلامی مردم به تحول در فهم جایگاه خود اشعار عملی پیدا کرده و در دل ساختارهای فرهنگی و تاریخی قبلی، ماهیت انقلاب اسلامی پیدا کرده اند.

سیل عزاداری مردم، اقلیت سازمان یافته دشمن را متزلزل ساخته است



به محض انتشار خبر شهادت رهبر کبیر انقلاب اسلامی، سیل خروشان ملت غیور و انقلابی ایران، خیابان های کشور را مملو از جمعیت عزادار کرد و مردم به صورت خودجوش و بدون سازماندهی قبلی رسمی و دولتی، اقدام به تجمع، عزاداری و دادن شعار علیه رژیم جنایت کار اسرائیل و آمریکای خون خوار

کردند و شدیداً مطالبه داشتند تا انتقام خون رهبر انقلاب با نابودی رژیم جعلی اسرائیل و از بین بردن کامل قدرت آمریکا در منطقه گرفته شود. حضور گسترده ملت ایران به طور مداوم در خیابان های کشور برقرار بود تا اینکه تجمعات و راهپیمایی ها به شکل گسترده تری رخ داد و فضای خیابان های شهر را علی رغم حملات وحشیانه دشمن، به فضایی کاملاً مقاوم و انقلابی تبدیل کرد. این حضور شجاعانه و عزادارانه ملت ایران که به مطالبه شدیدترین حملات علیه دشمن مشغول بود، توانست ذهنیت دشمنان را نسبت به واقعیت جامعه ایران تغییر داده و نشان دهد جامعه ایران، پشتیبان انقلاب، جان فدای آن و آماده جهاد و مبارزه برای دفاع از آن است. در نتیجه سناریوی دشمن مبنی بر فعال سازی اقلیت های سازمان یافته برای شورش در خیابان و انجام عملیات های تروریستی به شکست گرایید و اقلیت های سازمان یافته داخل کشور نتوانستند بر ترس خود فائق آیند، لذا خود را مخفی نگه داشتند، سکوت کردند و برای حفظ جان خود، دست به هیچ اقدامی نزدند. به همین جهت حفظ این وضعیت حماسی، یک ضرورت راهبردی برای حفظ میدان و خیابان های ایران است. امروز مردم مستقیماً به تولید قدرت در جمهوری اسلامی مشغول هستند و این نه تنها یک افتخار ملی، بلکه یک اعجاب بین المللی است که ملتی در این مقیاس و عمق، شجاعانه از حاکمیت، استقلال، آزادی و سرنوشت خود و تاریخ خود دفاع می کند. این برترین الگو برای ملت های آزادی خواه جهان است!

حفظ همه آرمان های انقلاب، ضامن بنیادین

انقلاب شده است

در دنیا نظام های برآمده از انقلاب عموماً بعد از انقلاب و تشکیل حکومت، به واسطه دلایل مختلف، امکان پیگیری و تحقق همه شعارهای خود را پیدا نمی کنند. شعارهای انقلاب های بزرگ عموماً از درون یک تجربه تاریخی از مطلوبیت ها و ارزش های عمومی جامعه بالاآمده و در مطلوبیت های عمومی تثبیت می شوند. چون ریشه این شعارها و آرمان ها، تاریخی و فرهنگی هستند؛ لذا امکان حذف یا نادیده گرفتن آنها می تواند باعث استحاله انقلاب و یا از بین رفتن پشتوانه مردمی آن می شود.

عموم انقلاب ها و حکومت ها در ابتدا شعارها و مطلوبیت های مختلفی را مطرح می کنند، اما در عمل چون امکان تحقق آنها را



ندارند، روی یک شعار و یک آرمان به عنوان نقطه ثقل حکومت تمرکز می کنند و بقیه آرمان ها را در آنها مستحیل می کنند. از طرفی عموم انقلاب های بزرگ، تعداد شعارهایشان محدود - نهایتاً سه تا چهار آرمان است؛ اما انقلاب اسلامی به واسطه تاریخ و تمدن بزرگ ملت و تجربه تاریخی خود، آرمان ها و شعارهای متعددی داشته و در این زمینه با انقلاب های بزرگ دیگر تمایز اساسی دارد. عدالت، استقلال، آزادی، مردم سالاری، اسلام خواهی، ملی گرایی، پیشرفت، وحدت اسلامی، استکبار و استعمارستیزی، حمایت از مظلومین و مستضعفین و... از درون تاریخ، فرهنگ و تجربه تاریخی این ملت برآمده و در انقلاب و قانون اساسی متبلور شدند. حفظ و زنده نگاه داشتن هم زمان همه این آرمان ها، برای یک حکومت و رهبری یک انقلاب یک انتحار سیاسی است و هیچ حکومت و انقلاب مشابهی در جهان وجود ندارد که این تعداد آرمان را به طور هم زمان برای حرکت خود انتخاب و حفظ کرده باشد. اما در تجربه انقلاب اسلامی، رهبران انقلاب نه تنها از همه شعارها و آرمان های انقلاب کوتاه نیامدند، بلکه در عمل، جامعه و مردم خود را نیز با تجربه هم زمان حفظ و پیشبرد آن آرمان ها رشد دادند. در میدان عمل، میان این آرمان ها، تخالف ها و تعارض های زیادی ایجاد می شود و فقط هوشمندی و پایداری بر آنها در تجربه عملی می تواند چنین موقعیتی را برای یک انقلاب و مردم آن به وجود آورد. اگر فقط بخشی از این آرمان ها به حاشیه می رفت، امکان بقای انقلاب و وجود نظام جایگزین توسط بخشی از جامعه ممکن بود؛ اما انقلاب اسلامی با حفظ همه آرمان های خود، بدیل های خود را در جامعه از بین برده است. خارج این آرمان ها آرمانی برای مردم برای تغییر وجود ندارد!

همه مقدمات و لوازم جنگ را آقا با مدیریت خودش

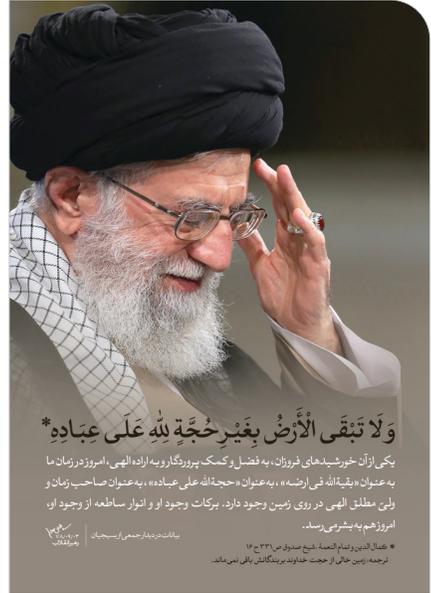
مهیا کرده است

جنگ تمام عیار ایران و آمریکا نقطه عطفی بود که سال ها امام شهید، امام خامنه‌ای، ایران را برای آن آماده کرده بود. جنگی که معادلات قدرت در جهان را جابه‌جا کرده و ایران را تبدیل به قدرتی بلامنازع در منطقه و همچنین در سطح جهانی می‌کند. جنگ با آمریکا برای قدرتمندترین کشورهای دنیا نیز کابوسی وحشتناک است که حتی تصور آن را نیز به مخیله خود راه نمی‌دهند. امام خامنه‌ای شهید به مدد الهی و با عنایت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در مراحل مختلف، مردم ایران را برای این جنگ تعیین‌کننده جرئت بخشیده و آماده ساخته و قدرت ایستادگی در مقابل بزرگ‌ترین فتنه‌ها و آشوب‌ها را در میان مردم نهادینه ساخته است. شهید خامنه‌ای، زیر ساخت‌های نظامی مورد نیاز برای این جنگ را با وسواس و در طول زمانی طولانی تجهیز کرده است. افتخار آفرینی موشک ایرانی، قدرت بی‌نظیر پهپادهای ایرانی، قدرت جنگ الکترونیک ایران، پدیده‌ای در طول بیش از سه دهه رهبری ایشان برای این روز آماده شده بود. ایشان طرح، نقشه و برنامه عملیات را با مشارکت بخش‌های مختلف نظامی تهیه کرده و در سازمان و بدنه نیروهای نظامی نهادینه نموده است.

حتی پیشرفته‌ترین کشورهای غربی نیز قدرت کنترل تکانه‌های جنگ بر فروپاشی اقتصاد خود را ندارند. ایشان در طول چندین دهه، ایران را تبدیل به قدرت مستقل اقتصادی کرد. عراق با جمعیت نصف ایران و با زمین حاصلخیز در میان دجله و فرات و در میانه دو حمله آمریکا، به معادله نفت در برابر غذا رسیده بود. ایران امروز در ماه رمضان در حال جنگ است و نه تنها بازار محصولات کشاورزی و دامداری بلکه بازار محصولات صنعتی او دچار فروپاشی و بحران نشده است. برای دیدن این حرکت کلان کشور، باید از سطح کوتاهی‌های برخی مسئولین بالاتر رفت. تصویر هوایی از اقتصاد ایران، استقلال اقتصادی و اقتصاد مقاومتی را به وضوح نشان می‌دهد. ایران سال‌هاست به پیشرفت در سایه تحریم‌های چندلایه آمریکایی عادت کرده و شرایط جنگ، متغیر جدیدی وارد این معادله نمی‌کند. معماری این اقتصاد در ظرف تحریم، هنر بزرگ‌مرد تاریخ ایران، سید علی خامنه‌ای شهید است؛ البته نوسانات اقتصادی ناشی از جنگ امری طبیعی است. از همه مهم‌تر اینکه ایشان بدنه مدیران ارشد کشور را با همه تنوعات و طیف‌های گوناگون از ابتدای رهبری خود قدم به قدم آماده این جنگ نموده است. امروز همه مسئولین به شکلی منسجم موقعیت جنگ تعیین‌کننده کنونی ایران در افق راهبردی برای تبدیل شدن به قدرت تعیین‌کننده جهانی را به خوبی درک می‌کنند. این توفیق محقق نشد جز با ایمان امام شهیدمان به فرمان الهی که همانا «قدرت خود تا نهایت هر آنچه که در توان دارید برای نبرد مهیا کنید» (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ).

ارتقای رهبری نظام همواره با مدد روحی و معنوی حضرت ولی عصر (عج) بوده است

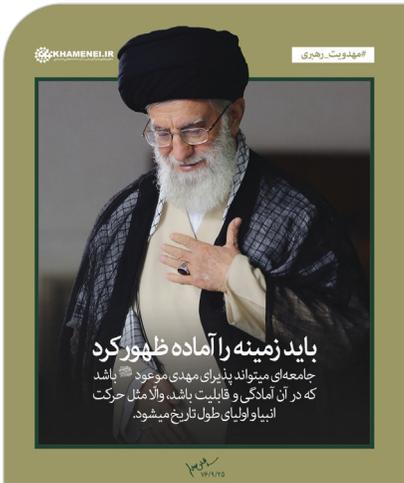
اداره و رهبری نظام همواره با مدد روحی و معنوی حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام بوده است. مردم ایران زمین، همواره کشور خود را تحت‌العنایت مراقبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام دانسته‌اند. این باور علاوه بر اینکه در اعتقادات و ایمان عمیق ملت ریشه دارد حاصل تجربه‌ای عملی در بستر تاریخ معاصر است. پس از انقلاب اسلامی ایران، اسناد و وقایع تا به وضوح و وضوح ثابت کرده‌اند که این سرزمین، همواره مورد لطف و توجه خاص آن حضرت بوده است. حقیقتی همیشگی در بطن سرنوشت این ملت نهفته است و در هر مقطع حساس و سرنوشت‌سازی، دستیاری و هدایت‌های معنوی امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَام مطابق با سنت‌های ثابت خداوند، نصیب مردم ایران شده است. اما شرط ظهور این یاری الهی و اعجاز‌آمیز، همواره ایمان و عمل صالح در هر مقطع بوده است؛ همان‌گونه که درگذشته نیز، آمادگی قلبی و عملی، بستر



نزول این عنایت بوده است. اکنون نیز که کشور درگیر جنگ تحمیلی مستقیم آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفته است، همین سنت الهی و عنایت امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَام برقرار است. بدون هیچ‌گونه شک و تردید، دست یاری و پشتیبانی صاحب‌الزمان، ایران و مردم آن را یاری خواهد کرد. این یاری الهی، پاسخی است به ایمان راسخ مردم و حضور شجاعانه آنان در صحنه نبرد. نکته حیرت‌انگیز، عزم آهنین این ملت است؛ طراحی دشمن این بود که پس از شهادت رهبر انقلاب فروپاشی درونی رخ دهد؛ اما این شهادت منجر به حضور گسترده‌تر و پویاتر مردم در صحنه شد. این ایستادگی و حضور آگاهانه، گواهی بر صدق این کلام است؛ بنابراین، با قاطعیت و یقین می‌توان گفت در این برهه سخت همانند گذشته، یاری امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَام قطعاً و حتماً در کار خواهد بود و این کشور با تکیه بر این عنایت الهی، سربلند و پیروز از میدان خواهد خارج شد.

مسئله اصلی در زمینه سازی ظهور امام زمان (عج)،

تکامل قدرت اسلام است



مسئله بنیادین و محوری در بحث زمینه سازی ظهور حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فدا)، فراتر از صرف انتظار، در امر حیاتی تکامل قدرت اسلام متمرکز است. این دیدگاه، یک چارچوب عملی و استراتژیک برای حرکت جامعه اسلامی فراهم می آورد.

در مسیر فهم زمان ظهور، یکی از موضوعات همواره چالش برانگیز، تلاش برای انجام تطبیقات جزئی است که گاهی در روایات ذکر شده با مصادیق و شخصیت های معاصر صورت می گیرد. این نوع تأویل های نقطه ای، همواره موجب اختلاف نظر و گاهی انحراف از مسیر اصلی شده است.

سیره و منش رهبر کبیر و رهبر شهید انقلاب اسلامی،

امام خمینی رحمة الله علیه، همواره بر پرهیز از این تطبیقات مصداقی تأکید داشته

است. این دو ابرمرد تاریخ، با درایت و ژرف نگری، مسیر را بر تکیه بر کلیات مورد اشاره و قطعیات اسلام در روایات بنا نهادند؛ اصولی که مسیر فهم را روشن و عمل را متمرکز می سازند.

یکی از مهم ترین و مورد تأکیدترین این کلیات، مسئله «قدرت افزایی برای اسلام» است. این بدان معناست که تحقق مقدمات ظهور، مستلزم آن است که جهان اسلام در سطح نظامی، اقتصادی، فرهنگی و فکری به چنان جایگاهی از قدرت و اقتدار دست یابد که شایسته میزبانی و پشتیبانی از حکومت جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه باشد. جامعه اسلامی باید به نقطه ای از بلوغ و استحکام برسد که بتواند پرچم حق را در سطح جهانی برافرازد.

براین اساس، وظیفه ما در این دوران حساس، یعنی در این جنگ پیچیده ای که پایه های قدرت اسلام در آینده را تثبیت خواهد کرد، آن است که با هوشمندی کامل، از درگیری های فرعی ناشی از تطبیقات دور شویم و تمام توان خود را صرف تثبیت و تعمیق پایه های قدرت اسلام نماییم. هر گامی که در مسیر ایجاد استحکام برای کیان اسلام برداشته شود، گامی مؤثر در جهت تسهیل امر ظهور و فراهم آوری زمینه ظهور آن منجی عالم خواهد بود. تمرکز بر تقویت بنیان های درونی و قدرت بیرونی اسلام، همان حرکت در مسیر قطعی روایات برای استقبال از فرماندهی نهایی است.

خدا هست پس نصرت خدا هم هست

شیعیان همواره بر رابطه محکم و استوار با ولی فقیه که مجری حاکمیت الهی است، تأکید دارند. این پیوند، ستون فقرات هویت دینی و سیاسی ما را تشکیل می‌دهد. اما در روزهای دشوار پس از شهادت رهبر معظم انقلاب، باید آگاه باشیم که این مسیر با فداکاری جان رهبر عزیزمان پایان نمی‌یابد. اصل استمرار ولایت الهی نشان می‌دهد که این نظام، وابسته به یک شخص نیست، بلکه جریانی است که خداوند آن را اداره می‌کند و با رحلت هر امام یا فقیه، تکالیف الهی متوقف نمی‌شود. تاریخ نظام جمهوری اسلامی نیز بر این استمرار صحنه گذاشته است. وقایع سال شصت و شهادت مسئولان نظام نوپای اسلامی ایران، نه تنها موجب توقف حرکت نظام نبود؛ بلکه به تعبیر رهبر شهید انقلاب، باعث سرعت گرفتن در مسیر مبارزه و انقلاب شد.

باید توجه کرد که ما در دوران غیبت کبری زندگی می‌کنیم و تحت ولایت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى قَرَارِ دَارِیْمِ وَوَعْدِهِ الْاَلْبَیْتِ قرار داریم و شهادت ولی فقیه به عنوان نایب بر حق ایشان، تنها نوعی تغییر در مرجعیت اجرایی است. قطعاً فقدان شخصیت برجسته‌ای همچون شهید آیت الله سید علی حسینی خامنه‌ای، به حق یک ضایعه عظیم برای امت اسلامی است؛ اما باید توجه کرد که این انقلاب، تحت عنایات ویژه حضرت حجت‌علیه السلام قرار دارد و لطف خداوند متعال از این مسیر به جامعه مسلمانان، هرگز قطع نمی‌شود. وظیفه ما به عنوان منتظران واقعی، حفظ استقامت و عدم ناامیدی است. ما باید بدانیم که این شهادت‌ها، بخشی از سنن الهی و آزمایش‌های ایمان ملت است، همان‌گونه که اهل بیت‌علیهم السلام، بارها با فقدان یاران و انواع شهادت مواجه شدند. این مصائب برای آزمون استقامت و تقویت اراده ملت است. ما باید همان‌طور که ائمه ما در سخت‌ترین شرایط صبر جمیل ورزیدند و به خدا متوکل بودند، در برابر این مصیبت بایستیم. تکالیف دینی ما همچنان باقی است. حفظ بیعت با رهبر شهیدمان و آرمان‌های انقلاب و تلاش برای حفظ دستاوردهای آن که خون شهدا در آن ریخته شده است همچنان جریان دارد. نباید اجازه دهیم که دشمن با القای ناامیدی، مکتب ما را به انزوا بکشاند.

ما باید به قرآن و عترت پناه ببریم و بدانیم که تداوم راه رهبر شهیدمان، به وحدت و انسجام وابسته است. باید با صبر و هوشیاری، با حفظ مکتب و ادامه دادن راه شهدا، به دشمنان نشان دهیم که نه تنها ناامید نشدیم، بلکه با اراده‌ای قوی‌تر، مسیر حق را ادامه می‌دهیم. صبر و توکل بر خدا، کلید عبور از این فتنه و حفظ استمرار ولایت و نظام اسلامی است. مطمئناً استقامت ما، سبب نزول نصرت و رحمت الهی است و امروز چه خوب است شنیدن سخن رهبر شهیدمان در نماز جمعه نصر که فرمودند: «ناامید و پریشان نشوید؛ در مسیر مبارزه تردید نکنید؛ بر تلاش و توان خود بیفزایید؛ همبستگی خود را دوچندان کنید؛ در برابر دشمن متجاوز و متعزّض با تقویت ایمان و توکل مقاومت کنید و او را ناکام بگذارید».

نظام برای سناریوهای مختلف آماده است



جمهوری اسلامی ایران، نظامی است که بر پایه های محکم فقهی و قانونی بنا شده و بر اساس سنت الهی و دشمنان خونخوار خود، همواره خود را برای سخت ترین آزمون ها آماده ساخته است. شهادت رهبر

معظم انقلاب، هرچند ضایعه ای بزرگ است، اما هرگز به معنای فروپاشی و توقف نظام نیست، زیرا نظام، فراتر از اشخاص، ساختاری مستحکم و منقطع دارد. نکته کلیدی این است که قانون اساسی ما برای جلوگیری از هرگونه خلأ قدرت، تداوم جانشین پذیری و فرآیند قانونی انتخاب رهبر جدید، تدابیری را پیش بینی کرده است. نقش شورای رهبری برای مدیریت امور در زمان بحران، از این موارد است.

در حوزه نظامی نیز، ساختار فرماندهی کل قوا زنجیره ای است و در غیاب راس فرماندهی نیز، امر به فرماندهان زیرین تفویض شده و شورای عالی دفاع نیز آماده برای تصمیم گیری های فوری است. انتخاب چند لایه جایگزین ها و تعیین سناریوهای مختلف و دستورالعمل های مشخص، مواردی از این دست است. این آمادگی تنها محدود به ساختار حکومتی نیست؛ در حوزه اقتصادی نیز تدابیر لازم برای مدیریت امور حتی در شرایط خیلی سخت تعبیه شده است و چرخه های تولید و توزیع حتی در شرایط شوک های بزرگ نیز از کار نخواهد افتاد.

نظام برای مقابله با سناریوهای ترکیبی از جمله ترور رهبری، از سال ها پیش طرح های واکنش سریع را در لایه های امنیتی و دفاعی خود تعریف کرده است. همچنین ساختار مدیریتی توزیع شده و غیر متمرکز توانسته است راهبرد ترور دشمنان را تحد زیادی بی اثر کند و ما در میدان نیز عملاً مشاهده می کنیم که در حالی که فرماندهی کل قوا و برخی سران نظامی و امنیتی کشور به شهادت رسیدند، هیچ خللی در امور کشور پیش نیامد و هم اکنون مدیریت کامل صحنه و نبرد را به خوبی می توان مشاهده کرد.